

ترجمہ فارسی

الْبُلُوغُ وَالْمَرْجَانُ

حدیث مشترک

امام بخاری و امام مسلم

جلد اول

تالیف : محمد فواد عبدالباقی

ترجمہ : ابو بکر حسن زادہ

عبدالباقي، محمد فؤاد Abdl-Baqi, Muhammad Fuad

ترجمه فارسی اللؤلؤ و المرجان: احادیث مشترک امام بخاری و مسلم / تألیف محمد فؤاد
عبدالباقي؛ ترجمه ابوبکر حسن زاده - تهران: نشر احسان، ۱۳۹۱.

ج ۳ (دوره) ۳-۲۹-۰۳۵۶-۹۶۴-۹۷۸ ISBN

ج ۱ (۹-۰۴-۰۳۵۶-۹۶۴-۹۷۸ ج ۲) ۶-۴۱-۰۳۵۶-۹۶۴-۹۷۸ ج ۳) ۳-۲۲-۰۳۵۶-۹۶۴-۹۷۸

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیفا.

عنوان اصلی: اللؤلؤ و المرجان: فیما اتفق علیه الشیخان اماما المحدثین ابو عبدالله محمد بن
'سماعیل البخاری و ابوالحسن مسلم بن الحجاج النیسابوری.
مابنامہ.

۱. حدیث اهل سنت - قرن ۱۴. محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۲ قبل از هجرت - ۱۱ ق. - احادیث
الف. بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۹۴-۳۵۶ ق. الجامع الصحیح. ب. مسلم بن حجاج، ۲۰۶-۲۶۱
ق. الجاه الصحیح. ج. حسن زاده، ابوبکر ۱۳۱۷ - د. عنوان. ه. عنوان: جامع الصحیح.

۲۹۷/۲۱۱

Bt ۲۷/ ۲۱۱

۱۳۹۱

۸۰-۱۰۲۶۴ م

کتابخانه ملی ایران

محل نگهداری



نام اثر: ترجمه فارسی اللؤلؤ و المرجان احادیث امام بخاری و مسلم (امام مسلم

مؤلف: محمد فؤاد عبدالباقي

مترجم: ابوبکر حسن زاده

ناشر: نشر احسان

چاپخانه: سامان

نوبت چاپ: ششم - ۱۳۹۵

تیراژ: ۳۰۰۰ دوره

شابک جلد اول: ۹-۰۴-۰۳۵۶-۹۶۴-۹۷۸

شابک دوره: ۳-۲۲-۰۳۵۶-۹۶۴-۹۷۸

قیمت سه جلد در یک مجلد: ۴۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

گر دیده است.....	۴۶	مقدمه مترجم.....	۲۳
باب (هفتم): درباره امر به ایمان به خدا و پیغمبر و مقررات دین و دعوت دیگران به سوی آن	۴۶	مقدمه مؤلف.....	۳۳
باب (هشتم): درباره امر به جنگیدن با مردم تا گفتن شهادتین.....	۴۸	مقدمه صحیحین.....	۴۱
باب (نهم): اولین مرحله ایمان گفتن لا اله الا الله است.....	۵۰	باب (یکم): سخت گیری در دروغ بستن به پیغمبر ﷺ.....	۴۹
باب (دهم): آنست که با ایمان راستین بمیرد به بهشت می رود.....	۵۱	فصل اول درباره ایمان	
باب (دوازدهم): شعبه ناسی ایمان.....	۵۳	باب (یکم): ایمان چیست؟ و بیان ویژگی های آن.....	۴۳
باب (چهاردهم): در بیان برتری بعضی از ویژگی های اسلام بر بعضی دیگر.....	۵۴	باب (سوم): در بیان نمازهایی که یکی از ارکان اسلام می باشند.....	۴۴
باب (پانزدهم): در بیان ویژگی هایی که هر کس متصف به آنها باشد لذت ایمان را درک خواهد کرد.....	۵۴	باب (پنجم): در بیان ایمانی که انسان به وسیله آن وارد بهشت می شود.....	۴۵
باب (شانزدهم): واجب است که پیغمبر ﷺ		باب (ششم): درباره اسلام که بر پنج اصل بنا	

- را از خانواده و پدر و مادر و تمام مردم بیشتر
دوست داشت ۵۵
- باب (هفدهم): از ویژگی های ایمان، آنچه برای
خود دوست می دارد برای برادر مسلمانش نیز
دوست داشته باشد ۵۵
- باب (نوزدهم): تشویق به احترام گذاردن به
همسایه و ممان گفتار نیک یا سکوت ۵۵
- باب (بیست و یکم): دستر بعضی از مؤمنان بر
بعضی دیگر در ایمان بهتر است اهل یمن بر
دیگران ۵۷
- باب (بیست و دوم): در بیان اینکه دین رحمت
است ۵۹
- در بیان کم شدن ایمان به وسیله گناه و نبودن
ایمان کامل در گناهکار ۶۰
- باب (بیست و سوم): در بیان ویژگی های منافق
باب (بیست و چهارم): در بیان چگونگی ایمان
کسی که به برادر مسلمان خود بگوید: ای
کافر! ۶۱
- باب (بیست و پنجم): چگونگی ایمان کسی که
آگاهانه از نسبت دادن خود به پدرش روی
برمی تابد ۶۲
- باب (بیست و ششم): در بیان این فرموده
پیغمبر ﷺ: ناسزا گفتن به مسلمان خروج از
- دستور دین و جنگ با او کفر است ۶۳
- باب (بیست و هفتم): در بیان این حدیث: بعد از
من به کفر نگرید و گردن همدیگر را با شمشیر
نزنید ۶۳
- باب (سی ام): در بیان کفر کسانی که می گویند:
به وسیله ماه و ستارگان باران داده شدیم ۶۴
- باب (سی و یکم): دوست داشتن انصار نشانه
ایمان است ۶۴
- باب (سی و دوم): ناقص شدن ایمان به واسطه
نقصان عبادت ۶۵
- باب (سی و چهارم): ایمان به خدا از بزرگترین
اعمال است ۶۶
- باب (سی و پنجم): شریک قرار دادن برای خدا
بزرگترین گناه است و بیان گناههای کبیره ای که
بعد از شرک قرار دارند ۶۸
- باب (سی و ششم): بیان گناههای کبیره و
بزرگترین آنها ۶۸
- باب (سی و هشتم): غیر مشرک سرانجام داخل
بهشت می شود ۷۰
- باب (سی و نهم): حرام بودن کشتن کافر بعد از
گفتن کلمه لا اله الا الله ۷۱
- باب (چهارم): درباره حمل سلاح بر علیه
مسلمانان ۷۳

- باب (چهل و دوم): در بیان واکنش مسلمان به هنگام پیش آمدن بلا و مصیبت ۷۳
- باب (چهل و سوم): در بیان سخت‌گیری در تحریم سخن‌چینی ۷۴
- باب (چهل و چهارم): در بیان سخت‌گیری در تحریم صفت‌هایی که مذموم هستند ۷۴
- باب (چهل و پنجم): در بیان تشدید در تحریم خودکشی و اینکه هر مسلمان کس دیگری وارد بهشت نخواهد شد ۷۵
- باب (چهل و ششم): سخت‌گیری در تحریم خیانت در غیبت و اینکه جز افراد مؤمن کس داخل بهشت نخواهد شد ۷۸
- باب (پنجاه و یکم): آیا انسان به خاطر کارهای نوران جاهلیت بازخواست می‌شود؟ ۷۹
- باب (پنجاه و دوم): اسلام و هجرت و حج، گناهان پیش از خودشان را از بین می‌برند ۸۰
- باب (پنجاه و سوم): حکم کار خیری که کافر قبل مسلمان شدنش انجام داده است ۸۱
- باب (پنجاه و چهارم): ایمان راستین و اخلاص در آن ۸۱
- باب (پنجاه و ششم): گذشت و صرف نظر مداوند از وسوسه‌هایی که بر قلب می‌گذرند در سورتیکه در قلب استقرار نیابند ۸۱
- باب (پنجاه و هفتم): نیت انجام کار نیک پاداش دارد اما بر نیت انجام کار بد گناهی نوشته نمی‌شود ۸۲
- باب (پنجاه و هشتم): پدیدار شدن وسوسه در ایمان و دعای از بین بردن آن ۸۳
- باب (پنجاه و نهم): کسی که با سوگند دروغ حق مسلمانی را ضایع کند با آتش دوزخ مجازات می‌شود ۸۳
- باب (شصتم): کسی که به خاطر دفاع از حق خود کشته شود، شهید است ۸۴
- باب (شصت و یکم): کارگزاران خیانتکار سزاوار دوزخ هستند ۸۵
- باب (شصت و دوم): رخت برستن امانت و ایمان از روی دلتی دلها و نمایان شدن فتنه و فساد در آنها ۸۵
- باب (شصت و سوم): اسلام غریبانه آغاز شد و در آینده نیز غریب خواهد بود ۸۷
- مسجد (مکه و مدینه) جمع می‌گردد ۸۷
- باب (شصت و پنجم): در بیان جایز بودن پنهان کردن ایمان در زمان احساس ترس ۸۸
- باب (شصت و ششم): دلداری دادن به اشخاص ضعیف‌الایمان، و اینکه بدون دلیل قاطع نباید به‌طور حتمی برای کسی ادعای ایمان نمود ۸۹

- باب (شصت و هفتم): افزایش اطمینان قلبی به واسطه دلایل روشن و آشکار ۹۰
- باب (شصت و هشتم): واجب بودن ایمان به رسالت محمد ﷺ بر همه مردم و منسوخ شدن تمامی آیین‌ها به واسطه آیین او ۹۱
- باب (شصت و نهم): فرود آمدن عیسی پسر مریم و حیرت او از شریعت پیغمبر ما محمد ﷺ ۹۲
- باب (هفتادم): زما که عداوت متعال ایمان را در آن قبول نخواهد کرد ۹۳
- باب (هفتادویکم): آغاز سرول حی بر پیغمبر ﷺ ۱۴
- باب (هفتادودوم): در بیان اسراء و معراج پیغمبر ﷺ و فرض شدن نمازهای پنجگانه ۹۹
- باب (هفتادوسوم): درباره عیسی مسیح پسر مریم و مسیح دجال ۱۰۶
- باب (هفتاد و چهارم): در مورد سدره المنتهی ۱۰۷
- باب (هفتاد و پنجم): معنی این آیه: (همانا او را یکبار دیگر دیده است) آیا پیغمبر ﷺ در شب معراج خداوند را دیده است؟ ۱۰۸
- باب (هفتاد و هشتم): اثبات اینکه مؤمنان در آخرت پروردگار خود را می‌بینند ۱۰۹
- باب (هفتاد و نهم): شناختن راه دیدن ذات الله ۱۱۰
- باب (هشتادم): در بیان اثبات شفاعت و بیرون آمدن یکتاپرستان از دوزخ ۱۱۷
- باب (هشتادویکم): آخرین نفری که از دوزخ بیرون می‌آید ۱۱۸
- باب (هشتاد و دوم): کمترین و پایین‌ترین مقام در بهشت ۱۱۸
- باب (هشتاد و چهارم): پیغمبر ﷺ شفاعتش را برای امتش برای روز قیامت نگه می‌دارد ۱۲۶
- باب (هشتاد و هفتم): درباره فرموده خداوند: (قوم نزدیک خود را از عذاب خدا بترسان) ۱۲۷
- باب (هشتاد و هشتم): شفاعت پیغمبر ﷺ برای ابوطالب تخفیف عذاب او به واسطه شفاعت پیغمبر ۱۲۸
- باب (هشتاد و نهم): عذاب‌ترین اهل دوزخ ۱۲۹
- باب (نودویکم): دوستی با مؤمنان و دوری و برائت از غیر آنان ۱۲۹
- باب (نود و دوم): داخل شدن گروهی از مسلمانان به بهشت بدون حساب و عذاب ۱۲۹

- باب (نود و چهارم): دستور خداوند به آدم که از هر هزار نفر نهصد و نود و نه نفر که دوزخی هستند جدا سازد ۱۳۳
- فصل دوم درباره طهارت و پاکی
- باب (دوم): وجوب پاکیزگی برای برگزاری نماز ۱۳۴
- باب (سوم): صفات و شرایط وضوی کامل ۱۳۵
- باب (هفتم): در مورد گوناگونی وضوی پیغمبر ﷺ ۱۳۵
- باب (هشتم): مستحب است تعداد آب به بین کشیدن و همچنین تمیز کردن محل خرج نجاست با سنگها، فرد باشد ۱۳۶
- باب (نهم): وجوب شستن هر دو پا به طور کامل ۱۳۶
- باب (دوازدهم): مستحب است مقداری از سر و بازوها و ساقها نیز در وضو شسته شوند ۱۳۷
- باب (پانزدهم): درباره سواک ۱۳۷
- باب (شانزدهم): ویژگی هایی که فطری هستند ۱۳۸
- باب (هفدهم): آداب نشستن برای قضای حاجت ۱۳۹
- باب (هیجدهم): نباید انسان بعد از قضای حاجت خود را با دست راست تمیز نماید
- باب (نوزدهم): مستحب است به هنگام غسل وضو گرفتن و سایر کارهای با ارزش اعضا راست جلو انداخته شوند
- باب (بیست و یکم): پاک کردن خود با آب قضای باز
- باب (بیست و دوم): در بیان مسح بر خفها
- باب (بیست و هفتم): حکم ظرفی که سنگ آن آب می خورد و یا به آن زبان می زند
- باب (بیست و هشتم): نهی از شاشیدن در آن راکد
- باب (سی ام): واجب است ادرار یا هر نجاست دیگری که در مسجد مشاهده می شود شسته شود و بی تمیز شدن زمین ریختن آب بر روی آن کافی است و ناری به کندن آن نیست
- باب (سی و یکم): که اگر پسر بچه شیر خشک و چگونگی شستن آن
- باب (سی و دوم): شستن منی از لباس و سایه آثار آن به هنگام خشک شدن اش
- باب (سی و سوم): نجس بودن خون و چگونگی شستن آن
- باب (چهل و سوم): دلیل نجس بودن ادرار

سنت است تکه‌ای پنبه و نظیر آن آغشته به بوی خوش را در مجرای حیضش قرار دهد ۱۵۳

باب (چهاردهم): زنی که همیشه خون‌ریزی دارد، چگونه باید غسل کند و وضو بگیرد. ۱۵۳

باب (پانزدهم): قضای روزه زمان حیض واجب است ولی قضای نماز واجب نیست..... ۱۵۴

باب (شانزدهم): در بیان پوشاندن خود در هنگام غسل کردن ۱۵۵

باب (هیجدهم): لخت و عریان غسل کردن در جای خلوت جایز است..... ۱۵۵

باب (نوزدهم): اهمیت دادن به پوشیدن عورت..... ۱۵۶

باب (بیست و یکم): با بیرون آمدن منی غسل واجب می‌شود..... ۱۵۶

باب (بیست و دو): در بیان وجوب غسل به مجرد به هم رسیدن دو آلات تناسلی خسته شده (و داخل شدن رأس آلت در فرج زن) ... ۱۵۸

باب (بیست و چهارم): در بیان نسخ شدن گرفتن وضو، بعد از خوردن غذایی که با آتش پخته شده باشد ۱۵۸

باب (بیست و ششم): در بیان شک در وضو ۱۵۹

باب (بیست و هفتم): پاک شدن پوست مردار به وسیلهٔ دباغی..... ۱۵۹

و جوب خالی کردن مجرای آن به هنگام قضای حاجت ۱۴۵

فصل سوم دربارهٔ حیض

باب (یکم): چگونگی تماس شوهر با همسرش در زمان حیض ۱۴۶

باب (دوم): سواستن با زن حیض در یک تختخواب..... ۱۴۷

باب (سوم): جایز است زن نافهٔ سر شوهرش بشوید و آترا شانه کند ۱۴۷

باب (چهارم): حکم مذی ۱۳۸

باب (ششم): خوابیدن برای جنب جایز است ۱۴۹

باب (هفتم): با احتلام و خروج منی از زن غسل او واجب می‌شود..... ۱۵۰

باب (نهم): چگونگی غسل جنابت ۱۵۰

باب (دهم): مقدار آبی که سنت است در غسل ابیت مورد استفاده قرار گیرد..... ۱۵۱

باب (یازدهم): سنت است به هنگام غسل سه بار را بر سر و سایر اعضای بدن جاری ۱۵۲

باب (سیزدهم): زنی که غسل حیض می‌کند

- باب (بیست و هشتم): دربارهٔ تیمم ۱۶۰
- باب (بیست و نهم): دلیل اینکه مسلمان نجس و
پلید نمی‌گردد ۱۶۳
- باب (سی و دوم): دعای هنگام رفتن به
توالت ۱۶۳
- باب (سی و سوم): دلیل اینکه خواب به حالت
نشسته وضو را نمی‌شکند ۱۶۴
- فصل چهارم در بیان نماز
- باب (یکم): نخستین باری که اذان گفته شود ۱۶۴
- باب (دوم): دستور پیامبر صلی الله علیه و آله به دو بار گفتن
کلمات اذان و یکبار گفتن کلمات اقامه ۱۶۵
- باب (هفتم): مستحب است شنونده اذان همانند
مؤذن آن را تکرار کند، سپس بر پیغمبر صلی الله علیه و آله
درود بفرستد و مقام وسیلت را برایش از خداوند
بخواهد ۱۶۵
- باب (هشتم): فضیلت اذان و فرار شیطان به
هنگام شنیدن آن ۱۶۵
- باب (نهم): بلند کردن دستها تا مقابل شانه‌ها به
هنگام گفتن تکبیر نیت و هنگام رفتن به رکوع و
برخاستن از آن مستحب است ۱۶۶
- باب (دهم): اثبات گفتن تکبیر در هر پایین رفتن
و بلند شدن در هر بالا رفتن ۱۶۷
- باب (یازدهم): وجوب خواندن فاتحه در
تمامی رکعت‌ها و کسی که فاتحه را نداند هر
مقدار آیات دیگری از قرآن که برایش ممکن
باشد می‌خواند ۱۶۸
- باب (سیزدهم): دلیل کسانی که می‌گویند: بسم
الله الرحمن الرحیم با صدای بلند در نماز خوانده
نمی‌شود ۱۶۹
- باب (شانزدهم): خواندن تشهد در نماز ۱۶۹
- باب (هفدهم): درود گفتن بر پیغمبر صلی الله علیه و آله بعد
از تشهد ۱۷۰
- باب (هجدهم): گفتن سمع الله لمن حمده، و
حمتن امان ۱۷۱
- باب (نوزدهم): افتدای مأموم به امام ۱۷۲
- باب (بیست و یکم): تعیین جانشین برای امامت
نماز سنت است ۱۷۳
- باب (بیست و دوم): در صورت تأخیر امام، مردم
می‌توانند کسی را به عنوان امام نمازشان انتخاب
کنند ۱۷۹
- باب (بیست و سوم): در صورت مشاهدهٔ مشکلی
در هنگام برگزاری نماز، مرد سبحان الله می‌گوید
وزن دستهایش را بهم می‌زنند ۱۸۰

- باب (بیست و چهارم): امر به نیکو انجام دادن نماز و داشتن خشوع در آن ۱۸۱
- باب (بیست و پنجم): نهی از پیشی گرفتن از امام در رکوع یا سجده و امثال آنها ۱۸۱
- باب (بیست و هشتم): راست کردن صفهای نماز ۱۸۲
- باب (بیست و نهم): به زنهایی که پشت سر مردان نماز می خوانند د خور داده شده است پیش از مردان از سجده بلند نشیند ۱۸۳
- باب (سی ام): رفتن زنها به مسجد بشط اینکه باعث فساد نشوند، و نباید خود را بر آن نمایند ۱۸۳
- باب (سی و یکم): پایین آوردن صدا زمانی که بلند خواندن قرآن در نماز جهری مشکل ساز باشد ۱۸۴
- باب (سی و دوم): گوش دادن به قرآن ۱۸۴
- باب (سی و سوم): خواندن قرآن با صدای بلند در نماز صبح، و خواندن قرآن بر جن ۱۸۶
- باب (سی و چهارم): چگونگی قرائت قرآن در نماز ظهر و عصر ۱۸۷
- باب (سی و پنجم): قرائت در نماز صبح و مغرب ۱۸۹
- باب (سی و ششم): قرائت در نماز عشاء ۱۹۰
- باب (سی و هفتم): به امامان نمازها امر شده است که نماز را کوتاه و کامل بخوانند ۱۹۱
- باب (سی و هشتم): رعایت اعتدال در ارکان نماز و کوتاه و کامل بودن آنها ۱۹۲
- باب (سی و نهم): پیروی از امام و انجام اعمال بعد از او ۱۹۳
- باب (چهل و دوم): دعایی که در رکوع و سجود گفته می شود ۱۹۳
- باب (چهل و چهارم): اعضای که بر آنها سجده می شود و نهی از جمع کردن موهای سر و لباس به هنگام نماز ۱۹۴
- باب (چهل و ششم): از ویژگی های برپایی نماز ۱۹۴
- باب (چهل و هفتم): قرار دادن چیزی در جلو نمازگزار ۱۹۴
- باب (چهل و هشتم): منعبور و مرور از جلو نمازگزار ۱۹۶
- باب (چهل و نهم): نزدیک شدن نمازگزار از سائر ۱۹۷
- باب (پنجاه و یکم): دراز کشیدن در جلو سجده نمازگزار ۱۹۸
- باب (پنجاه و دوم): نماز خواندن در یک تکه لباس و چگونگی پوشیدن آن ۲۰۰

باب (دوازدهم): مالیدن دست بر سنگ ریزه
و صاف کردن خاک محل سجده در نماز مکروه
است ۰۹

باب (سیزدهم): انداختن تف در مسجد ممنوع
است ۱۰

باب (چهاردهم): خواندن نماز با کفش پاک
جایز است ۱۱

باب (پانزدهم): خواندن نماز در لباس
خط خطی و دارای نقش کراهت دارد ۱۱

باب (شانزدهم): وقتی غذا حاضر باشد نماز
خواندن کراهت دارد ۱۲

باب (هفدهم): از خوردن سیر و پیاز و کراث (با)
هنگام رفتن به مسجد نهی شده است ۱۳

باب (هوزدهم): سهو کردن در نماز و سجده
سهو بردن ۱۳

باب (بیستم): سجده فرائت قرآن ۱۶

باب (بیست و سوم): ذکر بعد از نماز ۱۷

باب (بیست و چهارم): پناه بردن به خدا از عذاب
قبر ۱۷

باب (بیست و پنجم): چیزهایی که در نماز از شر
آنها به خدا پناه برده می شود ۱۸

باب (بیست و ششم): مستحب بودن ذکر و دعا
بعد از سلام دادن نماز و چگونگی آن ۱۹

فصل پنجم درباره مساجد و جاهایی که
نماز در آنها برگزار می شود

باب (یکم): ساختن مسجد النَّبِيِّ ﷺ ۲۰۲

باب (دوم): تغیر قبله از بیت المقدس به
کعبه ۲۰۳

باب (سوم): از ساختن مسجد بر قبرها نهی شده
است ۲۰۴

باب (چهارم): فضیلت ساختن مسجد و تشویق
بر آن ۲۰۴

باب (پنجم): گذاشتن دستها بر رسوها به
هنگام رکوع ۲۰۶

باب (هفتم): حرام بودن سخن گفتن در
نماز ۲۰۶

باب (هشتم): لعنت کردن شیطان در اثنای نماز
جایز است ۲۰۸

باب (نهم): حمل کردن بچهها در نماز جایز
است ۲۰۸

باب (دهم): یک یا دو قدم حرکت در نماز جایز
است ۲۰۸

باب (یازدهم): دست گذاشتن بر کمر در نماز
مکروه است ۲۰۹

- باب (بیست و هفتم): دعای افتتاح نماز ۲۲۰
- باب (بیست و هشتم): رفتن به مسجد با وقار و آرامش مستحب است ۲۲۱
- باب (بیست و نهم): زمان برخاستن مردم برای نماز ۲۲۱
- باب (سی و ام): چه زمیاتی نماز اداء محسوب می شود؟ ۲۲۲
- باب (سی و یک): اوقات نمازهای پنجگانه ۲۲۲
- باب (سی و دوم): مسأله تأخیر در رفتن برای نماز ظهر در وقت شدت سرما ۲۲۳
- باب (سی و سوم): مستحب بودن خوردن نماز ظهر در اول وقت در غیر شدت گرما ۲۲۴
- باب (سی و چهارم): مستحب بودن خواندن نماز عصر در اول وقت ۲۲۵
- باب (سی و پنجم): سخت گیری درباره از دست دادن نماز عصر ۲۲۵
- باب (سی و ششم): دلیل کسانی که می گویند (صلاة وسطی) همان نماز عصر است ۲۲۶
- باب (سی و هفتم): فضیلت نماز صبح و عصر و مواظبت بر خواندن آنها ۲۲۷
- باب (سی و هشتم): اول وقت نماز مغرب هنگام غروب خورشید است ۲۲۸
- باب (سی و نهم): وقت نماز عشاء و تأخیر آن ۲۲۸
- باب (چهل و چهارم): مستحب بودن خواندن نماز صبح در اول وقت و بیان مقدار قرآنی که در آن خوانده می شود ۲۳۱
- باب (چهل و پنجم): فضیلت نماز جماعت و سخت گیری در ترک آن ۲۳۲
- باب (چهل و ششم): در صورت داشتن عذر، جایز است جماعت ترک شود ۲۳۴
- باب (چهل و هفتم): جایز بودن جماعت در نماز سنت و خواندن نماز بر روی چیز پاک ۲۳۶
- باب (چهل و هشتم): فضیلت نماز جماعت، و به انتظار نشستن برای خواندن نماز ۲۳۶
- باب (چهل و نهم): فضیلت برداشتن گامهای زیاد به سوی سجده ۲۳۷
- باب (پنجاه و یکم): رفتن برای نماز، گناها را محو می کند و رحمت کلمات را بالا می برد ۲۳۷
- باب (پنجاه و دوم): نایسته ترین فرد برای امامت ۲۳۸
- باب (پنجاه و چهارم): مستحب است به هنگام نزول بلا بر مسلمانان در تمام نمازها قنوت خوانده شود ۲۳۸
- باب (پنجاه و پنجم): قضای نماز فرض و عجله در به جای آوردن آن ۲۴۰

باب (سیزدهم): سنت بودن نماز ضحی و اینکه

حد اقل آن دو رکعت است ۴۸

باب (چهاردهم): مستحب بودن دو رکعت سنت

صبح و تشویق بر خواندن آن ۴۹

باب (پانزدهم): در بیان فضیلت نمازهای سنت

راتبه و تعداد رکعت‌های آنها ۵۰

باب (شانزدهم): جایز است نماز سنت به حالت

ایستاده و نشسته خوانده شود و همچنین جایز

است قسمتی از یک رکعت را ایستاده و قسمت

دیگر را نشسته خواند ۵۰

باب (هفدهم): نماز شب و تعداد رکتهای نماز

شب پیغمبر ﷺ، و اینکه نماز وتر خود یک

رکعت است و یک رکعت هم یک نماز صحیح

تمام می‌اشد ۵۱

باب بیستم: نماز شب دو رکعت دو رکعت است و

نماز وتر هم یک رکعت در آخر شب

می‌باشد ۵۳

باب (بیست و چهارم): تشویق بر ذکر و دعاء در

آخر شب و قبول آنها در آن وقت ۵۳

باب (بیست و پنجم): تشویق بر قیام رمضان که

همان خواندن تراویح می‌باشد ۵۴

باب (بیست و ششم): دعاء در نماز شب و به

هنگام شب بیداری ۵۵

فصل ششم درباره نماز مسافر

باب (یکم): نماز مسافر و کوتاه (شکسته)

خواندن آن ۲۴۲

باب (دوم): کوتاه خواندن نماز در منی ... ۲۴۳

باب (سوم): خواندن نماز در منزل در زمان

بارش باران ۲۴۴

باب (چهارم): جایز بودن خواندن نماز سنت بر

مَرکَب ۲۴۵

باب (پنجم): جواز جمع بین دو نماز در

سفر ۲۴۶

باب (ششم): جمع نمودن دو نماز با هم در غیر

سفر ۲۴۷

باب (هفتم): در بیان چگونگی برخاستن بعد از

نماز ۲۴۷

باب (نهم): خواندن نماز سنت بعد از اقامه گفتن

برای نماز، مکروه است ۲۴۷

باب (یازدهم): خواندن نماز تحية المسجد در

تمامی اوقات مستحب است ۲۴۸

باب (دوازدهم): کسی که از سفر برمی‌گردد

سنت است اول در مسجد دو رکعت نماز بخواند

..... ۲۴۸

- باب (بیست و هفتم): مستحب بودن طول دادن به قرائت قرآن در نماز شب..... ۲۵۸
- باب (بیست و هشتم): روایتهای وارده در حق کسانی که تمام شب تا صبح می خوابند..... ۲۵۸
- باب (بیست و نهم): مستحب است نمازهای سنت در منزل خوانده شود..... ۲۵۹
- باب (سی و یکم): کسانی که خواب بر آنان غلبه کرده است راز نهم قرآن و ذکر خدا عاجز مانده اند بخوابند سپس با نشاط مشغول عبادت شوند..... ۲۶۱
- باب (سی و سوم): امر بر خواندن قرآن و مواظبت بر آن و مکروه است کسی بخرد و آن آیه را فراموش نموده ام..... ۲۶۲
- باب (سی و چهارم): مستحب است قرآن با آهنگ منظم و صدای قشنگ خوانده شود..... ۲۶۳
- باب (سی و پنجم): بیان اینکه پیغمبر صلی الله علیه و آله در روز فتح مکه سورة فتح را قرائت نمود..... ۲۶۳
- باب (سی و ششم): اطمینان و آرامش به هنگام قرائت قرآن نازل می گردد..... ۲۶۴
- باب (سی و هفتم): فضیلت حافظ قرآن..... ۲۶۵
- باب (سی و هشتم): فضیلت کسانی که با مهارت قرآن می خوانند و کسانی که با زحمت آنرا می خوانند..... ۲۶۶
- باب (سی و نهم): خواندن قرآن بر صاحب فضل، هر چند خواننده قرآن افضل و برتر باشد مستحب است..... ۲۶۷
- باب (چهل و یکم): فضیلت گوش دادن به قرائت قرآن و درخواست قرائت آن و گریستن به هنگام شنیدن آن..... ۲۶۸
- باب (چهل و دوم): ثواب خواندن سورة فاتحه آیه های آخر سورة بقره و تشویق بر خواندن آیه آخر سورة بقره..... ۲۶۷
- باب (چهل و هفتم): بیان فضیلت کسی که قرآن می خواند و آنرا به دیگران یاد می دهد و ثواب کسی که دانشی ارزشمند می آموزد و ... ۲۶۸
- باب (چهل و هشتم): درباره اینکه قرآن بر هفت و نواز شده است و بیان معنی این جمله..... ۲۶۸
- باب (چهل و نهم): ترتیل در خواندن قرآن و پرهیز از شبانه قرائت آن و اینکه جایز است دو سوره یا بیشتر در یک رکعت خوانده شود..... ۲۶۹
- باب (پنجاهم): مسائلی که به قرائتهای قرآن تعلق دارد..... ۲۷۰
- باب (پنجاه و یکم): اوقاتی که نباید در آنها نماز سنت بدون سبب خوانده شود..... ۲۷۱
- باب (پنجاه و چهارم): دو رکعت نمازی که

باب (یازدهم): درباره نزول آیه (۱۱) سوره جمعه..... ۲۸۱	باب (سیزدهم): کوتاه خواندن نماز و خطبه جمعه..... ۲۸۲
باب (چهاردهم): خواندن نماز تحية المسجد در حالی که امام خطبه می خواند..... ۲۸۲	باب (هفدهم): سوره هایی که در روز جمعه خوانده می شوند..... ۲۸۲

فصل هشتم درباره نماز عید

رمضان و قربان

باب (یکم): جایز بودن رفتن زنان به مصلى در ره رهای عید..... ۲۸۶	باب (چهارم): اجازه انجام سرگرمی هایی که گناه نیست در روزهای عید..... ۲۸۶
---	---

فصل نهم درباره باران

باب (یکم): بلند نمودن دستها به هنگام دعای نزول باران..... ۲۸۸	باب (دوم): درباره دعای نزول باران..... ۲۸۸
باب (سوم): پناه بردن به خدا به هنگام دیدن بار و ابر و شاد شدن از آمدن باران..... ۲۸۹	

پیغمبر ﷺ آنها را بعد از نماز عصر می خواند..... ۲۷۲	باب (پنجاه و پنجم): مستحب بودن دو رکعت نماز قبل از نماز مغرب..... ۲۷۴
باب (پنجاه و ششم): در بین هر اذان و اقامتی نماز سنتی است..... ۲۷۴	باب (پنجاه و هفتم): نماز خوف..... ۲۷۴

فصل سفتم درباره نماز جمعه

باب (یکم): احادیثی که بیهوشی و جرب غسل جمعه هستند..... ۲۷۶	باب (دوم): استفاده از بوی خوش و مسدا که زدن در روز جمعه..... ۲۷۸
باب (سوم): سکوت به هنگام خطبه نماز جمعه..... ۲۷۹	باب (چهارم): زمان و ساعت مخصوصی که در روز جمعه وجود دارد..... ۲۸۰
باب (ششم): فیض یابی امت اسلام به روز جمعه ۲۸۰	باب (نهم): برگزاری نماز جمعه بعد از زوال خورشید..... ۲۸۰
باب (دهم): بیان دو خطبه قبل از نماز جمعه و نشستن در بین آنها..... ۲۸۱	

- باب (چهارم): دربارهٔ باد صبا و باد دیور... ۲۹۰
- باب (دوازدهم): دربارهٔ غسل میت.....
- باب (سیزدهم): دربارهٔ کفن میت.....
- باب (چهاردهم): دربارهٔ پوشاندن میت...
- باب (شانزدهم): سرعت در تشییع و تدفین جنازه.....
- باب (هفدهم): ثواب نماز بر جنازه و تشییع آن.....
- باب (بیستم): مرده‌ای که به خیر یا به شر نامش می‌برند.....
- باب (بیست و یکم): مرده یا خودش راحه می‌شود یا دیگران از دستش راحه می‌شوند.....
- باب (بیست و دوم): دربارهٔ گفتن تکبیر بر جنازه.....
- باب (بیست و سوم): خواندن نماز میت بر قبر.....
- باب (سی و چهارم): برخاستن به هنگام گذشتن جنازه.....
- باب (بیست و هفتم): چگونه ایستادن امام برای نماز میت..... ۳۱۳
- فصل دوازدهم دربارهٔ زکات
- باب (دوم): زکات برده و اسب بر مسلمان
- باب (یکم): نماز کسوف..... ۲۹۰
- باب (دوم): یادآوری عذاب قبر در نماز کسوف..... ۲۹۳
- باب (سوم): چیزهایی که در مورد بهشت و جهنم به هنگام نماز کسوف به پیغمبر صلی الله علیه و آله نشان داده شد..... ۲۹۴
- باب (پنجم): اعلام نماز کسوف، با گفتن (الصلاة جامعة)..... ۲۹۶
- فصل یازدهم دربارهٔ جنازه و مسائل مربوط به میت
- باب (ششم): گریه برای مرده..... ۲۹۸
- باب (هشتم): دربارهٔ صبر بر مصیبت از آغاز آن..... ۳۰۰
- باب (نهم): مرده بواسطهٔ گریهٔ خاندانش برای او، عذاب داده می‌شود..... ۳۰۱
- باب (دهم): سخت‌گیری در نوحه خوانی..... ۳۰۴
- باب (یازدهم): منع زنان از تشییع جنازه..... ۳۰۵

- باب (هیجدهم): تشویق به دادن صدقه پیش از آمدن زوزی که کسی پیدا نمی شود آنرا قبول کند ۲۷
- باب (نوزدهم): صدقه دادن از مال حلال نزد خداوند پذیرفته می شود و افزایش می یابد. ۲۸
- باب (بیستم): تشویق بر دادن صدقه هر چند اندک باشد یا گفتن یک کلمه خوب باشد. ۲۹
- باب (بیست و یکم): درباره صدقه کردن دستمز و بی ارزش ندانستن صدقه کم ۳۰
- باب (بیست و دوم): فضیلت بخشیدن حیوانان برای استفاده از شیرش ۳۰
- باب (بیست و سوم): مثال انسان بخشنده، و انسد بخیل ۳۰
- باب (بیست و چهارم): ثواب بخشش به جا حرد باقی است هر چند به دست نا اهل برسد ۳۱
- باب (بیست و پنجم): کارگر و خدمتگزار امین زنی که با اجازه حراج با اجازه عادی از مر شوهرش بدون اسراف می بخشد اجر و ثواب دارند ۳۲
- باب (بیست و هفتم): کسی که اهل صدقه دادد سایر کارهای خیر باشد ۳۴
- باب (بیست و هشتم): تشویق به بخشش و مکر بودن شمردن آن ۳۵
- ۳۱۴ واجب نیست
- باب (سوم): درباره دادن زکات و منع آن ۳۱۴
- باب (چهارم): مقدار زکات فطر از خرما و جو ۳۱۴
- باب (ششم): گناه کسی که از دادن زکات خودداری کند ۳۱۵
- باب (هشتم) عذاب شدید برای کسانی که زکات نمی دهند ۳۱۷
- باب (نهم): تسویق بر دادن زکات و صدقه ۳۱۸
- باب (دهم): سخت گیری برای کسی که مال جمع می کند و زکات آنرا نمی دهد ۳۲۱
- باب (یازدهم): تشویق بر انفاق و نژاد به انفاق کنندگان ۳۲۲
- باب (سیزدهم): احسان نخست باید بر خود سپس خانواده و خویشاوندان باشد ۳۲۳
- باب (چهاردهم): ثواب نیکی بر نزدیکان و زن و فرزندان و پدر و مادر (هر چند پدر و مادر مشرک هم باشند) ۳۲۳
- باب (پانزدهم): ثواب صدقه به مردگان می رسد ۳۲۶
- باب (شانزدهم): صدقه شامل هر کار خیر و هر نیکی می شود ۳۲۶
- باب (هفدهم): درباره بخشندگان و بخیلان ۳۲۷

- باب (بیست و نهم): تشویق بر بخشش هر چند کم هم باشد..... ۳۳۵
- باب (سی ام): فضیلت پنهان داشتن صدقه. ۳۳۵
- باب (سی و یکم): در بیان بهترین صدقه... ۳۳۶
- باب (سی و دوم): در بیان اینکه دست بخشنده بهتر از دست گیرنده است..... ۳۳۷
- باب (سی و سوم): نهی از دراز کردن دست نیاز پیش دیگران..... ۳۳۸
- باب (سی و چهارم): مسکین چه کسی است؟..... ۳۳۹
- باب (سی و پنجم): مکروه بودن توقع از دیگران..... ۳۳۹
- باب (سی و هفتم): مباح بودن گرفتن سده رای کسی که تقاضای آن را نکرده است..... ۳۴۰
- باب (سی و هشتم): مکروه بودن حرص و علاقه به دنیا..... ۳۴۰
- باب (سی و نهم): درباره آزمندی انسان به دنیا..... ۳۴۱
- باب (چهلیم): بی نیازی حقیقی با ثروت فراوان نیست..... ۳۴۱
- باب (چهل و یکم): بر حذر داشتن از مغرور شدن به مال دنیا..... ۳۴۲
- باب (چهل و دوم): فضیلت حفظ عزت نفس و شکیبایی داشتن..... ۳۴۴
- باب (چهل و سوم): به اندازه نیاز نفقه داشتن آن قناعت کردن..... ۳۴۴
- باب (چهل و چهارم): دادن صدقه به کسی که ناسزاگفتن و خشونت آن را می خواهد..... ۳۴۵
- باب (چهل و پنجم): دادن صدقه به کسی ایمانش تقویت شود..... ۳۴۶
- باب (چهل و ششم): دادن صدقه برای دلجوئی تازه مسلمانان و صبر و استقامت کسانی که دارا ایمان قوی هستند..... ۳۴۷
- باب (چهل و هفتم): ذکر خوارج و بیان صفات آنان..... ۳۵۱
- باب (چهل و هشتم): تشویق بر کشتن خوارج..... ۳۵۶
- باب (چهل و نهم): خوارج بدترین مخلوق خدا هستند..... ۳۵۶
- باب (پنجاهم): خوردن زکات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و خاندان او حرام است..... ۳۵۷
- باب (پنجاه و دوم): هدیه برای پیغمبر صلی الله علیه و آله و خاندان او حلال است هر چند این هدیه از طریق صدقه به ملکیت هدیه دهنده درآمده باشد..... ۳۵۷
- باب (پنجاه و سوم): پیغمبر صلی الله علیه و آله هدیه را قبول می کرد ولی صدقه را رد می نمود..... ۳۵۸
- باب (پنجاه و چهارم): دعا برای کسی که صدقه و زکات می آورد..... ۳۵۸

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سخن ناشر

عنايت . كتابى حديث نبوى و ترجمه و چاپ كتابهاى مرتبط با علوم حديث، دغدغه‌اى بود كه ا همان آغاز فعاليت نش احسان وجود داشت كه چاپ كتاب معروف رياض الصالحين از نخستين كتابهاى بود به چاپ رسيد . پس از چندي نيز ترجمه فارسى آن به تكرر به چاپ سپرده شد و در اختيار علاقمندان احاديث نبوى قرار گرفت .

كتاب اللؤلؤ والمرجان از كتابى گرانبگى است كه محمد فؤاد عبدالباقى از تليفق احاديث مشترك صحيحين آن را پرداخته و در جهان عرب مورد استقبال كم نظيرى قرار گرفته است . ترجمه فارسى اين اثر ارزنده نيز به قلم سرچم توانا جناب آقاى ابوبكر حسن زاده پرداخته شده چندي است كه چاپهاى مكرر آن در اختيار علاقمندان قرار مى گيرد .

چاپ جديد ترجمه اين اثر كه به واقع چاپ پنجم آن نيز هست اينك با پرداختن بهتر از لحاظ ترجمه و صفحه آرائى و چاپ، در دسترس خوانندگان قرار مى گيرد .

اميدواريم چاپ جديد كتاب مورد عنايت خوانندگان و پژوهشگران علوم حديث قرار گيرد خداوند منان نيز آن را در درگاه خود مقبول پذيرد .

نشر احسان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه مترجم

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمَمِينَ رَسُولًا يُخَلِّقُهُمْ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ، صَلَاةً وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مِنْ بَعَثْتَهُ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ عَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَالتَّابِعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

وبعد:

پروردگار دانا و توانا، به مقتضای حکمت و رحمت بیکرانش، خواست بشریت را از تاریکی کفر و جهل و گمراهی رهایی بخشد و او را از چنگال خرافات و اوهام و بندگی اشجار و احجار و اسارت در دام کاهنان و جادوگران و رمالان و ظالمان، آزاد سازد لذا آخرین کتاب آسمانی خود، قرآن، را بر پاکترین بندگانش حضرت محمد ﷺ نازل نمود، تا بشریت را به صراط مستقیم هدایت کند و کسانی که در پرتو نور فروزان آن حرکت می نمایند به خیر و سعادت جاودانی فیض یاب شوند، شخصیت واقعی خود را بازیابند و به عنوان نمونه و الگو، رهبری جامعه بشری را در دست گیرند:

«يَهْدِي بِهٖ اَللّٰهُ مَنۡ اَتٰتٰهُ رِضْوَانَهٗ سُبُلَ اَلسَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّوْرِ بِاِذْنِهٖ وَيَهْدِيهِمۡ اِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ»^(۱)

«خداوند به وسیله این (قرآن) کسانی را به راههای امن (و به دور از فساد) هدایت می دهد که برای نیل به رضای خدا کوشش می کنند و آنان را از تاریکیهای (کفر و نادانی) بیرون می آورد و به سوی نور (ایمان و علم) می برد و به راه راست هدایتشان می کند.»

به خاتم پیغمبرانش دستور داد، تا در مقام شامخ رسالت و شارع دین خدا، قرآن را به مردم اعلام دارد و با صبر و استقامت و توکل به خدا به شرح آن بپردازد. حق را از باطل جدا نماید و تحت عنایت پروردگار به ارشاد و راهنمایی مردم بپردازد:

«وَاَنْزَلْنَا بِكَ الْقُرْآنَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ اِلَيْهِمْ»^(۲)

«و قرآن را بر تو نازل کردیم، تا بیان کنی برای مردم آنچه را که برایشان فرستاده شده است.»

همچنین همه مسلمانان را ملزم و مکلف ساخته تا از دستورات و سنت پیغمبر ﷺ اطاعت کنند و به آنان اطمینان داده که پیروی از پیغمبر ﷺ مایه سعادت و خوشبختی است.

(۱) سوره مائده: ۱۶.

(۲) سوره نحل: ۴۴.

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ﴾ (۴)

«قطعاً برای شما در [اقتدا به] پیغمبر خدا سرمشق نیکوست، برای آن کس که به خدا و روز رستاخیز امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.»

و به مسلمانان دستور می‌دهد با جان و دل تسلیم حکم پیغمبر ﷺ شوند؛ زیرا تخلف از این امر نشانه نبودن ایمان است:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (۵)

«قسم به پروردگارت اینها ایمان نمی‌آورند، تا اینکه تو را در اختلافات و درگیریهای خود به داوری بطلبند، از صمیم قلب به قضاوت تو راضی و تسلیم بشوند.»

﴿فَإِن تَسَارَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَارْجِعُوهُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَىٰ رَسُولِهِ إِن كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ (۶)

«پس اگر در چیزی با هم اختلاف پیدا کردید برای حل آن قرآن [سنت] پیغمبر مراجعه کنید [قرآن و سنت را حکم خدا دهد] اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید.»

خداوند متعال اطاعت از پیغمبر ﷺ را

سخنان و دستوراتش کلاً حکمت و معرفت و وحی الهی است و از هوای نفس به دور می‌باشد:

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ (۱)

«(محمّد) از روی هوی سخن نمی‌گوید هر چه می‌گوید وحی الهی است.»

بر مسلمانان واجب نموده که دستورات پیغمبر ﷺ را اجرا نمایند، و به صدق گفتار او ایمان داشته باشند:

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُم عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ (۲)

«پیغمبر (ﷺ) هر دستوری که بر شما باشد بپذیرید آن را انجام دهید. و از هر چیزی که بر او حذر است بپرهیزید از آن دوری کنید.»

خداوند متعال اطاعت از پیغمبر ﷺ را باعث خوشنودی و محبت خود و بخشودگی گناه قرار داده است:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾ (۳)

«(ای محمّد) به مردم بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید از من پیروی کنید، تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد.»

خداوند پیغمبر ﷺ را به عنوان نمونه کامل انسانیت معرفی می‌کند و می‌فرماید: کسانی که خدا را می‌خواهند باید از پیغمبر ﷺ پیروی نمایند:

(۱) سوره نجم: ۳ - ۴.

(۲) سوره حشر: ۷.

(۳) سوره آل عمران: ۳۱.

(۴) سوره احزاب: ۲۱.

(۵) سوره نساء: ۶۵.

(۶) سوره نساء: ۵۹.

جزو اطاعت از خود به حساب می آورد:

«مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (۱)

«کسی که از پیغمبر اطاعت و پیروی نماید همانا از خدا اطاعت کرده است.»

مخالفت با دستورات پیغمبر ﷺ را بلای بزرگ و عذابی دردناک، معرفی می کند:

«فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (۲)

«کسانی که در دستور پیغمبر سربچی می کنند باید بترسند از اینکه به بلای بزرگی یا عذاب دردناکی دچار شوند.»

خداوند از سنت و دستور پیغمبر ﷺ به عنوان حکمت و برکت و معرفت نام می برد:

«وَأَذْكُرَنَّ مَا بُيِّنَ لِي فِي بُيُوتِكُمْ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ» (۳)

«ای زنان پیغمبر بیاد بیاورید آیاتی را که در منزلهای شما تلاوت می شود و به یاد آورید سخنان حکمت آمیز [پیغمبر] را.»

البته آیات و احادیث در مورد واجب بودن اطاعت از پیغمبر و نهی از مخالفت با دستوراتش، فراوان است که برای مزید اطلاع می توانید به کتاب ریاض الصالحین باب: الأمر بالمحافظة على السنة و آدابها، تألیف امام نووی، مراجعه فرمائید.

با توجه به آیات فوق بر کسی پوشیده نخواهد بود که پیروی از حدیث و سنت پیغمبر ﷺ پیروی از خدا و قرآن است و

مخالفت با احادیث و سنت نبوی، مخالفت با قرآن است. حدیث و سنت، بعد از قرآن بزرگترین اصل و رکن اساسی برنامه زندگی مسلمانان است. اکثر احکام شرعی یا مستقیماً به وسیله پیغمبر ﷺ بیان شده و یا بعد از ذکر اجمالی در قرآن، حدیث و سنت آنها را تشریح کرده اند، مثلاً قرآن می فرماید: نماز بخوانید، ولی نماز صبح و ظهر و عصر و مغرب، هر کدام چند رکعت است و به چه کیفیت باید خوانده شوند، و تشهد و سلام چطور است؟ در قرآن نیست بلکه بیان آنها به وسیله پیغمبر ﷺ انجام گرفته است. این حدیث و سنت است که جزئیات مربوط به مسائل حج و زکات و نکاح و علاق و ... را تشریح و بیان می نماید.

بنابراین شریعت و قانون اسلام بر دو اصل و رکن است: قرآن و دیگری سنت پیغمبر ﷺ می باشد استوار است. قرآن به صورت تواتر از جانب پیغمبر ﷺ به مسلمانان رسیده است و قرآنی که اکنون در دست مسلمانان است عین همان قرآنی است که به وسیله جبرئیل بر پیغمبر ﷺ نازل شده است. بدون اینکه جمله ای اضافه یا کاسته شده باشد.

اما در مورد سنت پیغمبر ﷺ باید گفت که: اصحاب کرام به پیروی از قرآن و دستور

(۱) سوره نساء: ۸۰.

(۲) سوره نور: ۶۳.

(۳) سوره احزاب: ۳۴.

پیغمبر ﷺ برسند و به نوبت کارهای شخص خود را انجام دهند، کسانی که به حضور پیغمبر ﷺ می‌رفتند، آنچه را که می‌شنید برای دوستانشان که سرگرم کار بودند بازگو می‌کردند. از جمله عمر بن خطاب با یکی اصحاب قرار گذاشته بودند که هر روز یکی آنان به حضور پیغمبر ﷺ برود و آنچه را که می‌شنود برای دیگری بازگو نماید.

چون خواست خدا بر این بود که دین اسلام به عنوان پاکترین و قدرتمندترین ادیان، بر صفحه ایام ثابت و استوار بماند، و سنت پیغمبر ﷺ که یکی از ارکان اصلی آن است، از تغییر و تحریف مصون باشد، چه در عصر نهمین ﷺ و اصحاب و چه در عصر تابعین و جماعت کثیری از علمای امت، خود را سؤول حفظ و حراست از حدیث و سنت می‌دانستند، و با کمال صداقت و تقوی و اخلاص به حفظ و بررسی و جمع‌آوری سنت و حفظ آن در سینه ثبت آن در صفحه کاغذ می‌پرداختند. این بزرگواران خوب آگاه بودند که نسبت دادن چیزی به دروغ به پیغمبر ﷺ جرمی است نابخشودنی. پیغمبر ﷺ در این مورد می‌فرماید: «کسی که عمداً چیزی را به دروغ به من نسبت دهد، باید جای خود را در آتش دوزخ آماده نماید.» لذا با احتیاط و دقت فراوان این وظیفه را انجام می‌دادند. تا اینکه در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم به دستور خلیفه

پیغمبر ﷺ به اهمیت و نقش حدیث و سنت در پایه‌گذاری و تحکیم شریعت و دین اسلام، به خوبی آگاه بودند، و به یقین می‌دانستند حدیث و سنت دو مین رکن شریعت است، با کمال صبر و استقامت و شوق و جدیت و اخلاص، با بهره‌گیری از ذکاوت و استعداد، و حافظه فوق العاده‌ای که در فضای صاف و آرام عربستان پرورش یافته بود، اکثر اوقات خود را - چه در سفر و چه در حضر - در حضور پیغمبر ﷺ به یادگیری قرآن و حدیث می‌پرداختند. بودند کسانی مانند عبدالله بن عمرو بن عاص که تمام سخنان پیغمبر ﷺ را می‌شنید و تلاشی که کسی به عبدالله گفت: «چرا تمام سخنان پیغمبر ﷺ را یادداشت می‌نمایم؟» فرمود: «پیغمبر ﷺ به مقتضای طبع بشری که دارد، چیزی بگوید که نباید نوشته شود.» اما پیغمبر ﷺ به عبدالله گفت: «ای عبدالله! هر چه را که من می‌گویم بنویس. قسم به خدا هیچ ناحقی از زبان من بیرون نخواهد آمد.» از طرف دیگر، جماعتی از اصحاب که هیچگونه مشغلت دنیایی نداشتند، با فراغت کامل، تمام اوقات خود را صرف حفظ حرف به حرف قرآن و حدیث می‌نمودند. پیغمبر ﷺ به کسانی که به حضورش می‌رسیدند دستور می‌داد آنچه را که از او می‌شنوند، به کسانی که حضور ندارند برسانند. گروههایی از اصحاب با هم قرار می‌گذاشتند، تا به نوبت به حضور

اسلام عمر بن عبدالعزیز رضی اللہ عنہ جمع آوری و نوشتن حدیث و سنت، رسماً شروع گردید. در آن هنگام امام مالک که یکی از محدثین بزرگ و شمار می آید در مسجد النبی در مدینه مشغول جمع و بررسی و روایت احادیث بود، و دانشمندانی از قبیل امام اوزاعی، ثوری، ابن عیینه، لیث، شافعی، ابن مبارک، شافعی و ابویوسف و... در حلقه درس او حضور می یافتند. و کتاب مهم خود را به نام (الموطأ) که مشتمل بر احادیث پیغمبر صلی اللہ علیہ و آله و سلم است در ده پنجم قرن دوم به رشته تحریر درآورد. در این زمان نیز حال عدّه فراوانی از علماء و محدثین که اسد یا اسدیا همطراز امام مالک بودند، در مکه و مصر و عراق و یمن و سایر اقطار اسلامی، اوقات خود را وقف تحقیق و بررسی و جمع آوری و روایت حدیث و سنت می کردند و با تشکیل حوزه های بزرگ علمی که به صورت شبانه روزی فعال و در حقیقت دانشگاه های علوم دینی بودند که هر یک، صدها طالب علوم دینی را از اقصی نقاط جهان اسلام جلب نموده و در قلب خود جای داده بود. در اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم این کوشش و فعالیت به اوج خود رسید. کتابهای بسیاری تحت عناوین: صحیح، مسند، موطأ و مصنف و... مانند صحیح بخاری و صحیح مسلم و مسند امام احمد و مصنف عبدالرزاق تألیف شدند. علم الحدیث تدوین شد، و قواعد و شرایط بسیار

دقیق و مفیدی برای تشخیص حدیث صحیح از حدیث ضعیف و موضوع وضع گردید. علماء و محدثین با عشق و علاقه توصیف ناپذیری تمام توان خود را به کار می گرفتند و از هیچ کوشش و فداکاری به منظور حفظ سنت پیغمبر صلی اللہ علیہ و آله و سلم و جدا نمودن آن از کلام سایر اشخاص دریغ نمی کردند. بسیار اتفاق می افتاد که یک محدث برای شنیدن و دریافت حدیثی از گوشه ای به گوشه دیگر جهان می رفت و ماهارنج و مشقت سفر را تحمل می کرد، ولی وقتی که آن را می شنید و راوی را شناسایی می کرد، چون شرایط لازم را در روایت حدیث نمی دید از پذیرفتن آن خودداری می کرد.

البته محدثین تنها به حفظ و جمع آوری احادیث صحیح اکتفا نمی کردند، بلکه هر حاشی که به پیغمبر صلی اللہ علیہ و آله و سلم نسبت داده می شد جمع آوری می کردند، یکایک آنها را جداگانه مورد بررسی دقیق قرار می دادند، و راویان هر حدیث را یکی به یکی در سایر دیگر شناسایی می کردند تا اینکه سلسله روایت به اصحاب یا پیغمبر صلی اللہ علیہ و آله و سلم منتهی می شد. میزان دقت و قدرت حفظ و تقوای هر یک را مشخص می کردند، و متن و معنی آن را با سایر احادیث صحیح و قرآن و عقل سالم مطابقت می دادند، و بعد از تجزیه و تحلیل و بررسی همه جانبه، به صحت یا ضعف یا موضوع بودن آن حکم می دادند. آنان تمام این تحقیقات را در برگ شناسایی آن حدیث

در چه شرایطی می‌کردند، و این برگ را به عنوان شناسنامه آن در کتابهای خود ثبت می‌نمودند. با به کارگیری این روش علمی است که می‌بینیم امام بخاری در بین دهها هزار حدیثی که حفظ و جمع نموده بود، تنها در حدود ۲۶۰۰ حدیث غیر مکرر را در صحیح خود پذیرفته است. همینطور شاگردش، مسلم، در بین دهها هزار حدیث در حدود ۳۵۰۰ حدیث غیر مکرر صحیح را جمع نموده است. سایر محدثین هم با توجه به تفاوت شرایط و امکانات و ... داده‌ای خدادادی از همین روش علمی بهره‌مند شدند. نسائی، ابو داود، ترمذی و ابن ماجه و ... کتابهای خود را بر همین اساس به رشته تحریر در آورده‌اند.

با توجه به اهمیت موضوع، ضرورت دارد اشاره بسیار مختصری به اقسام حدیث بنمایم تا خواننده محترم با بصیرت و احساس مسؤلیت بیشتری با آن روبرو شود.

علماء و محدثین، حدیث پیغمبر ﷺ را به سه قسم: صحیح، حسن و ضعیف تقسیم کرده‌اند. موضوع جزو حدیث نیست، اطلاق لفظ حاکم بر آن تا زمانی جایز است که معلوم نکرده‌اند نحوه وقوع است، همینکه موضوع بودن آن ثابت شد، دیگر اطلاق لفظ حدیث بر آن درست نیست.

۱ - حدیث صحیح: حاکی است که تمام روایان در سلسله روایت آن یکی بعد از دیگری - تا اینکه روایت به پیغمبر ﷺ یا صحابی منتهی می‌شود - ذکر و شناسایی شده باشند و یکایک آنان عادل و درستکار و دارای قدرت حافظه فراوان برای ضبط دقیق مسموعات خود باشند. حدیث صحیح نباید شاذ و یا معلل باشد. حدیث شاذ آن است که راوی آن عادل و دارای

یادداشت می‌کردند، و این برگ را به عنوان شناسنامه آن در کتابهای خود ثبت می‌نمودند. با به کارگیری این روش علمی است که می‌بینیم امام بخاری در بین دهها هزار حدیثی که حفظ و جمع نموده بود، تنها در حدود ۲۶۰۰ حدیث غیر مکرر را در صحیح خود پذیرفته است. همینطور شاگردش، مسلم، در بین دهها هزار حدیث در حدود ۳۵۰۰ حدیث غیر مکرر صحیح را جمع نموده است. سایر محدثین هم با توجه به تفاوت شرایط و امکانات و ... داده‌ای خدادادی از همین روش علمی بهره‌مند شدند. نسائی، ابو داود، ترمذی و ابن ماجه و ... کتابهای خود را بر همین اساس به رشته تحریر در آورده‌اند.

به راستی بر ما لازم است تلاش و کوشش و مساعی حمیده این پیشوایان مخلص و معنی خود را با جان و دل ارج نهیم و به عنوان خلف حق شناس، اجر جزیل را برای آنان از پیشگاه خداوند تمنا کنیم و اعتراف نمایم که این بزرگواران چنان گنجینه‌ای از خود به جا گذاشته‌اند که ارزش آن از قدرت تخمین بیرون است، به نحوی که وضعیت کلیه احادیث و سنن منسوب به پیغمبر ﷺ که شاید تعداد آنها به صدها هزار حدیث اعم از: صحیح و ضعیف و موضوع که - هر یک دارای شناسنامه مخصوص به خود می‌باشد - برسد. برای هر عالم و محدثی که به کتب حدیث و رجال مراجعه نماید مشخص می‌شود که فلان حدیث

سایر صحاح مفید ظن هستند و در مسائل شرعی و عملی حجّت و سند می‌باشند. تمام علماء و مجتهدین اسلام از عصر اصحاب کرام تا به امروز بر این موضوع اتفاق نظر داشته‌اند.

۲- حدیث حسن آن است که کلبه راویان آن در سلسله روایت یکی بعد از دیگری تا اینکه روایت به پیغمبر ﷺ یا صحابی منتهی می‌شود، ذکر و شناسایی شده و همه عادل و درستکار و دارای حافظه قوی باشند. ولی قدرت حافظه و ضبط آنان به اندازه قدرت حفظ و ضبط راویان حدیث صحیح نباشد. حدیث حسن هم نباید شاذ و یا معلّل باشد. فرق حسن با صحیح اینست، اولاً: قدرت حفظ و ضبط در راویان صحیح بیشتر است. ثانیاً: حدیث حسن همیشه، آحاد است و متواتر ندارد. حدیث حسن گاهی توخّه به عوامل دیگری به صورت صحیح در می‌آید، که به این نوع حسن لذاته و صحیح لغیره گفته می‌شود. حدیث حسن هم مانند آحاد صحیح، عمل و ظن است و در مسائل فرعی و عملی حجّت است.

باید متوجّه باشیم که احادیث صحیح آحاد همه در یک مرتبه از صحّت قرار ندارند. بلکه دارای مراتب متعدّد است و بعضی از بعضی دیگر صحیح‌تر است. اولین مرتبه و اعلاترین درجه حدیث صحیح، احادیثی است که بخاری و مسلم هر دو بر روایت آنها اتفاق دارند که در اصطلاح به آنها گفته می‌شود: متفقّ علیّه،

حافظه قوی است؛ ولی روایتش با روایت سایر راویان عادل و با حافظه مغایر است.

حدیث معلّل حدیثی است که دارای عیب و ایرادهای پنهانی و خفی باشد که تنها علماء و محدّثین آنها را تشخیص می‌دهند، بنابراین حدیث صحیح حدیثی است که چه از لحاظ متن و معنی از هر نقصی محفوظ و معرّن باشد. حدیث صحیح نیز بر دو نوع است: یکی حدیث متواتر و دیگری حدیث آحاد. متواتر، حدیث صحیحی است که جماعت فراوانی آن را روا کرده باشند و احتمال اینکه این جماعت بر سررغ توافقی کرده باشند وجود نداشته باشد. این حالت باید در کلبه طبقات حفظ شود، مانند حدیث شفاعت. حدیث معراج و ... حدیث متواتر مفید علم و یقین است و در تمام مسائل دینی اعم از عقیدتی و عملی سند و حجّت است.

حدیث آحاد آن است که تعداد راویان آن به مرحله تواتر نرسیده است مانند اکثر احادیث مربوط به عبادت و معاملات و حدود و قصاص و نکاح و طلاق و ... حدیث صحیح آحاد به اعتقاد جمعی از علماء، کلاً مفید علم و یقین می‌باشند. عدّه دیگری معتقدند تنها احادیث آحاد صحیح بخاری و مسلم مفید علم و عمل می‌باشند و سایر آحاد صحیح تنها مفید عمل هستند. اما قول راجح این است که احادیث صحیح آحاد کلاً اعمّ از صحیح بخاری و مسلم و

صحیح بخاری در مرتبه دوم، صحیح مسلم در مرتبه سوم، صحیح ابو داود در مرحله چهارم و صحیح ترمذی و نسائی و ابن ماجه به ترتیب در مراحل پنجم و ششم و هفتم قرار دارند. کتابهای این شش محدث بزرگ معروف به صحاح و سنن سته (ششگانه) می‌باشند.

۳- حدیث ضعیف آن است که دارای شرایط حدیث صحیح و حسن نباشد. حدیث ضعیف باید تمام و عمل نیست و در هیچ یک از مسائل دینی سندیت ندارد. علمای اسلام از استناد به احادیث ضعیف خودداری نموده‌اند. ولی عده‌ای معتقدند که جایز است در مسائل ترغیب و ترهیب و فضائل و مناقب آنها استفاده نمود.

با توجه به مراتب فوق معلوم گردید که احکام اسلام یا مبتنی بر قرآن و احادیث صحیح و حسن یا بر اساس اجماع و قیاس و استصحاب می‌باشد که البته مرجع این سه قسم اخیر نیز قرآن و حدیث صحیح است. علماء هیچ حکم شرعی را بر حدیث ضعیف یا موضوع بنا نهاده‌اند.

وقتی که به اهمیت حدیث صحیح و سنت آگاه شدیم و نقش آن را به عنوان پایه دوم شریعت شناختیم. لازم است با احساس مسؤولیت و ادب و آگاهی با حدیث روبرو شویم و از افراط و تفریط پرهیز کنیم. نه مانند کسانی باشیم که هر چه با ذوق و سلیقه‌شان موافق

نباشد بی پروا آن را رد می‌کنند، هر چند حدیث صحیح پیغمبر صلی الله علیه و آله هم باشد. در صورت طبق نص قرآن چنین کسانی باید منتهی به بلای بزرگ و عذاب شدید باشند. نه مانند کسانی باشیم که هر چه را به نام حدیث نوی شده بدون جدا نمودن صحیح از ضعیف موضوع می‌پذیرند و آن را به پیغمبر نسبت می‌دهند. بنابراین تنها اهل علم و تدبیر هستند که می‌توانند حد وسط را رعایت کنند و لغزش به دور باشند. چون حدیث و سنت مانند قرآن از مشکات وحی نورافشانی می‌کنند و نیاز به آگاهی بر علوم مخصوص دارند. چیزی نیست که هر کسی که توانست چند جمله فارسی یا عربی را معنی نماید بتواند درباره حدیث قضاوت کند و به آن فتوی دهد یا بگوید آن آیه را ندارم. این کار نیازمند تسلط بر آیات احادیث صحیح و دانستن لغت عربی و علوم نهج و صرف و نحو و بیان و اصول فقه است. علاوه بر این مفتی محدث باید عادل و متقی و دارا ذکاوت فراوان و عبادت‌گرا و متباط باشد. باید ادب و اخلاق و تقوای سلف صادق پیروی کنند آنان تا مجبور به فتوی و قضاوت نمی‌شوند فتوی پرهیز می‌کردند و تنها وقتی فتوی می‌دادند که تسلط و آگاهی کامل بر موضوع داشتند و روی هوای نفس سخن نمی‌گفتند. هفتاد و چند سؤال از امام مالک شد ولی او تنها به دو سؤال آنها جواب داد در جواب بقیه گفت: نمی‌دانم